

سیاست استصوابی رذصلاحت‌ها نهاد مجلس که مهم‌ترین نهاد در قانون اساسی است را به چه روزی انداخته است؟ [شورای نگهبان به هیچ‌جا پاسخگو نیست و هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد.

آنچه البته به جایی نرسد فریاد است؛



به گزارش اسپاداناخبر، عباس عیدی در روزنامه اعتماد نوشته است: گوش اگر گوش تو و، ناله اگر ناله ماست/ آنچه البته به جایی نرسد فریاد است. قضیه شورای محترم نگهبان و منتقدان آن مصداق روشن این بیت شعر است. سال‌هاست که همه نیروها نسبت به رفتارهای انتخاباتی این شورا در تایید و رذصلاحت‌ها انتقادات گوناگونی داشته‌اند، ولی به نظر می‌رسد که هیچ گوش شنوایی نباشد و در نتیجه هیچ پاسخ مستدلی نیز داده نمی‌شود. به طوری که اکنون منتقدان عملکرد این شورا از مجموعه اصلاح‌طلبان فراتر رفته‌اند و اصولگرایان نیز وارد این میدان شده‌اند و اخیراً یکی از نمایندگان شاخص این طیف اعلام کرده است که «مجلس محصول یک شرایط واقعی نیست، نظارت استصوابی پدر ما را درآورده است. آنهایی که از این نظارت طرفداری می‌کردند، امروز بیایند و نتیجه آن را ببینند.» کافی است که شجاعت، کارایی، سلامت و... مجالس را برحسب میزان و شدت رذصلاحت‌های هر دوره مقایسه کنید تا معلوم شود که سیاست استصوابی رذصلاحت‌ها چه عوارضی داشته است و نهاد مجلس که مهم‌ترین نهاد در قانون اساسی است را به چه روزی انداخته است؟ اخیراً فوریت طرح شفافیت آرای نمایندگان که با 120 امضا به مجلس داده شده بود رد شد، ولی مسأله اصلی علتی است که برای این مخالفت شمرده می‌شود. آقای مطهری نیز به نوعی و از زاویه خاصی با آن مخالفت کردند و گفتند که ممکن است این طرح موجب تضییع حق نماینده به موجب نظارت استصوابی شود. همچنین یکی از طراحان این طرح دلیل مخالفت نمایندگان را چنین می‌گوید که «من فکر می‌کنم 2 ترس عمده نمایندگان مانعی بر حمایت آنها از طرح شفافیت رأی مجلس شد و ادله قوی مخالفان، آنها را از تبعات علتی شدن ترسانند.... ترس دوم اما همان نظارت استصوابی شورای نگهبان بود که نمایندگان را در حمایت از این طرح مردد کرد.» به عبارت دیگر شورای نگهبان منشا ترس و بزدلی نمایندگان شده است. ولی مهم‌تر از این مشکل، هنگامی است که بدانیم نامزدهایی که چنین ملاحظاتی را رعایت نمی‌کنند و حرف خود را می‌زنند به همین علت رذصلاحت شده‌اند و فقط کسانی وارد مجلس می‌شوند که یا چندان در معرض افکار عمومی و اظهارنظر نبوده‌اند یا از ترس شورای نگهبان نهایت خودسانسوری را انجام داده‌اند. نتیجه چنین سیاستی، همان مجلسی می‌شود که رئیس‌جمهور سابق آنان را در یک شبیه سیاه، سکه یک پول کرد و صدای هیچ‌کس هم درنیامد!! خیلی هم نیازی برای ورود به جزئیات نیست. کافی است که مسئولان شورای نگهبان نگاهی به مجالسی بیندازند که در آنها رذصلاحت‌های استصوابی نبود یا خیلی محدود بود و آنها را با مجالسی مقایسه کنند که چشم و امید نامزدهایش به جلب موافقت هیات‌های نظارت شورای نگهبان بود. هنگامی که کشور با ناکارآمدی و فساد روبه‌روست، بدون تردید بخش مهمی از آن مربوط به ناکارآمدی مجلس است. مگر ممکن است که یک مجلس و نمایندگان شجاع و مستقل و مردمی داشته باشیم، و کسی بتواند به این حد از وضوح ناکارآمد رفتار کند یا فساد نماید؟ نظارت استصوابی و رد و تأیید نمایندگان براساس ملاک‌های آنان که در بیشتر موارد نیز بر اساس سلیقه و عجیب و غریب است، به طوری که برخی از نامزدها یک در میان رد و تأیید می‌شدند!! نوعی اختلال رفتاری ایجاد کرده است که آثار و عوارض آن را اکنون می‌بینیم. همه این نکات به یک سو، ناتوانی یا نخواستن شورای نگهبان در شنیدن انتقادات هم به یک سو. اخیراً خانم سلحشوری در مجلس نطقی کردند و طی آن گفتند که مگر نظارت استصوابی شورای نگهبان اجازه انتخاب بهتری را داده است و به ناچار مردم ما را انتخاب کرده‌اند که شاید جای دیگری که حق نمایندگی داشتند را گرفته‌ایم. فارغ از اینکه این دیدگاه درست یا نادرست باشد. حالا ببینیم که سخنگوی محترم شورای نگهبان آقای کدخدایی چگونه به این مسأله پاسخ داده است: «آنکه خود را شایسته نمی‌بیند کناره‌گیری کند. چرا خود را در معرض انتخاب قرار می‌دهد؟» معلوم است که این سخنان آقای کدخدایی به هر چیزی شباهت دارد جز پاسخ. زیرا کناره‌گیری کردن چنین نماینده‌ای راه‌حل مشکل نیست، زیرا او معتقد است که افراد بهتر یا رذصلاحت می‌شوند یا به همین علت نمی‌آیند و خود را نسبت به آن افراد مالا واجد صلاحیت کمتری می‌داند، نه اینکه در مقایسه با نمایندگان موجود خود را کم‌صلاحیت بداند که ایشان توصیه می‌کند که کناره‌گیری کند. ایشان از این

خانم نماینده می پرسد که چرا خود را در معرض انتخاب قرار داده است؟ به این علت که در میان موجودین او خود را شایسته می داند، ولی نسبت به کسانی که آنها را رد می کنید یا رد کرده اید واجد شایستگی کافی نمی داند. منظور گوینده، خیلی روشن است ولی سخنگوی شورای نگهبان یا متوجه آن نمی شود یا می کوشد که آن را به گونه دیگری فهم و معرفی کند. چرا؟ پاسخ روشن است. شورای نگهبان قادر به دفاع از عملکرد خود نیست. و هنوز هم می کوشند که رد صلاحیت ها را مستند به وجود قانون مجلس کنند، در حالی که این تفسیر شورای نگهبان است که خود را در این چارچوب بازتاب داده است و ربطی به مجلس ندارد چرا که اگر چنین بود مجلس ششم آن را لغو می کرد. اگر نمایندگان بخواهند آن قانون را لغو کنند با مخالفت آن شورا مواجه خواهد شد. شورای نگهبان مفاد آن را در چارچوب وظایف ذاتی خود تعریف کرده، ضمن اینکه شورا پاسخگو به هیچ جا نیست. و هر کاری که بخواهد انجام می دهد و در این شرایط بسیاری از افراد که شایستگی نمایندگی مردم را دارند، عطای عبور از این فیلتر را به لقای آن می بخشند، و اصولاً نامزد واقعی یا از این فیلترینگ رد نمی شوند یا اگر هم از فیلتر بسیار تنگ رد شود، چنان شیرهای کشیده می شود که رمقی برای اقدام موثر از جانب او در مجلس باقی نمی ماند. شورایایی که خود را مفسر قانون اساسی، مرجع تشخیص انطباق یا عدم انطباق قوانین با شرع و قانون اساسی و نیز ناظر انتخابات آن هم به مفهوم استصوابی یا تعبیر خودشان، و غیر پاسخگو به هیچ مرجعی و غیر شفاف است، کارکرد و نتایجی بهتر از اینکه در کشور می بینیم نخواهد داشت.

برچسب ها: [شورای نگهبان](#) [1]